

امیررضای پولدار

تهمینہ حدادی

عکس: حسام قلعه‌اسدی

«امیررضا کرمی‌وفا» در یکی از سه هنرستانی درس می‌خواند که در تهران رشته «تأسیسات» را آموزش می‌دهند. صبح‌ها ساعت ۵:۳۰ از خواب بلند می‌شود و از شرق تهران به غرب آن می‌رود. می‌گوید به چند هنرستان و حتی آموزش و پرورش سر زده و تحقیق کرده است کدام رشته آینده و بازار کار دارد و حالا هم هر روز دو ساعت صبح‌ها و دو ساعت بعد از مدرسه در راه است. او را در کارگاه تأسیسات مدرسه «شهید باهنر» می‌بینیم. سالنی بزرگ پر از دستگاه‌های جوش کاری که دورتادورش یک عالم بدنه یخچال است. هر کسی هم مشغول کاری است. یک عده به صورت‌هایشان ماسک زده‌اند و دستکش صنعتی دست کرده‌اند. عینک‌های محافظ هم که همه‌جا هستند. امیررضا می‌آید و نوبت اتاق مسئول سالن، می‌نشینیم روی مبل به گپ و گفت‌وگو.

پیشرفت در آن زیاد است.

■ اگر بگویند از فردا دیگر حق کار

عملی نداری، چه کار می‌کنی؟

تغییر رشته می‌دهم، چون این رشته بدون کار عملی فایده‌ای ندارد.

■ اگر این رشته نبود، چه رشته‌ای انتخاب می‌کردی؟

متالوژی.

■ اگه کسی رشته تو را مسخره کند چه می‌کنی؟

قانعش می‌کنم. همان کاری که تا الان کرده‌ام.

■ پس تا حالا مسخره‌ات هم کرده‌اند!

بله. همه می‌گویند لوله‌کش می‌شوی.

■ اگه کلا درس و مدرسه نبود، دنیا بهتر نبود؟

افتضاح می‌شد. تابستان امسال دلم برای مدرسه تنگ شد. نه برای درس خواندن، برای چیزهایی که در کارگاه یاد گرفتم. برای محیط.

■ برای محیط؟

بله، برای انجام دادن کار گروهی. وقتی تابستان توانستم خیلی چیزها را تعمیر و درست کنم، دلم برای چیزهایی که توی

■ اگر بخواهی کسی را تشویق کنی که رشته تو را انتخاب کند، چه می‌گویی؟

اول از همه درباره بازار کارش حرف می‌زنم و توضیح می‌دهم که خیلی از رشته‌های تئوری وجود دارند که اگر در آنها فوق‌لیسانس هم بگیری بی‌کار می‌مانی، اما این رشته بازار کار خوبی دارد و تغییرات و

■ اگر بگویند در یک خط رشته‌ات را تعریف کن چه می‌گویی؟

از یاد گرفتن لوله‌کشی شروع می‌شود و به طراحی سیستم‌های رآکتورهای هسته‌ای و سکوهای نفتی می‌رسد.

■ اگر رشته تو نبود چه می‌شد؟

همه چیز روی هوا بود. باید می‌رفتیم از چاه آب می‌کشیدیم.



رشته تأسیسات چیست؟

تأسیسات یا «تأسیسات مکانیکی ساختمان» به تعمیر و طراحی سیستم‌های حرارتی، برودتی و آبرسانی یک ساختمان گفته می‌شود.

کسانی که وارد این رشته می‌شوند لوله‌کشی ساختمان، تعمیر سیستم‌های تهویه و حتی تعمیر و نگهداری موتور شوفاژ و یخچال و... را یاد می‌گیرند و می‌توانند این رشته را تا کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد ادامه بدهند. آن وقت آنها مهندسان طراح می‌شوند و می‌توانند به عضویت سازمان نظام مهندسی در بیایند.

امیررضا می‌گوید: «خیلی کم از این رشته استقبال می‌کنند. همه دوست دارند درس‌های تئوری بخوانند. به خاطر همین مطمئنم به‌زودی هم کارم خواهد گرفت و هم درآمد خوبی خواهم داشت.» فکر کنید اگر دیپلم این رشته را بگیرید چه کاره می‌شوید؟ چند عنوان از شغل‌های این رشته عبارت‌اند از:

- راه‌اندازی و تعمیر دستگاه‌های سردکننده خانگی
- راه‌اندازی و تعمیر سیستم‌های حرارت مرکزی
- جوش کاری برق و گاز
- لوله‌کش آب ساختمان
- برق کاری و راه‌اندازی دستگاه‌های تأسیساتی با استفاده از لوله‌های فلزی و پلیمری
- نقشه‌کش تأسیسات مکانیکی ساختمان
- طراح، مجری و ناظر لوله‌کشی گاز خانگی و تجاری
- نصاب و لوله‌کش تأسیسات حرارت مرکزی



کارگاه به‌دست می‌آورم تنگ شد.

■ اولین چیزی را که به ذهنتمی‌رسد بگو:

ریاضی: متفردم.

تبلت: به درد کارم می‌خورد.

راه دور: خیلی عذاب‌آور.

فوتبال: علاقه‌ای ندارم.

■ اگر بگویند یک آرزوی کاری بکن، چه می‌گویی؟

اینکه دکترای تأسیسات بگیرم. چون فقط دو سه نفر در ایران این مدرک را دارند.

جز درس

۱ این رشته یک جورهایی شبیه رشته ساخت و تولید است. کارگاه بزرگی دارد پر از لوله و موتور یخچال و شوفاژ که باید با جعبه‌ابزار سروقتشان رفت. حالا این جعبه‌ابزار کجاست؟ داخل کمد. مسئول کمد کیست؟ سرگروه! سرگروه اگر کلید را در خانه جا بگذارد چه می‌شود؟ یک عده بدون لباس و جعبه‌ابزار روزشان تباه می‌شود. امیر می‌گوید که سال دوم هر کسی خودش کمد دارد و اگر کسی کلیدش را جا بگذارد ممکن است بقیه دلشان بسوزد و به او کمک کنند، اما سال سوم؟ هیچ‌کس تا به حال کلید را جا نگذاشته، می‌دانید که بعدش چه اتفاقی می‌افتد!

۲ چشم‌ها، اولش مراقبتشان نبودم؛ یعنی فکر نمی‌کردم که عینک جوش کاری خیلی مهم است، اما بعد که چشمم درد گرفتم و سه روز بی‌خوابی کشیدم و مجبور شدم پیش چشم‌پزشک بروم، فهمیدم ایمنی در کار خیلی مهم است.

۳ امیررضا درباره تغذیه در این رشته هم حرف می‌زند. می‌گوید بعضی روزها ما هشت ساعت سرپا هستیم به خاطر همین شده دو سه تا لقمه بزرگ از خانه می‌آوریم. اینها باید ساندویچ‌هایی باشند که تشنه‌مان نکنند، اما بقیه روزها زیاد هم پرخور نیستیم؛ چون واقعا کار در کارگاه انرژی می‌برد و تغذیه ما هم فرق می‌کند.